

نامه‌یوزادعبدی به‌وزیر فرهنگ

## علی رهبری راباعزت دعوت کنید



جناب آقای دکتر صالحی، استاد رهبری را باعزت باید دعوت کرد و سرنوشت موسیقی این کشور را به او سپرد؛ از ابتدا تا نهایتی که به ارکسترهای کلاسیک یا ایرانی جذب می شوند. به یاد مبارکتان می آورم سخنان استاد حسین علیزاده را که برای حضور چنین رهبری در ایران کنفرانس خبری گذاشتند و تمام مسئولین محترم را تشویق به دعوت ایشان برای به دست گرفتن زمام موسیقی کشور نمودند. استاد حسین علیزاده نمونه بارزی است از یک موسیقیدان ایرانی و دغدغه‌مند که روح و جانش را فدای هنر این مرز و بوم کرده است. و استاد علی رهبری را باید دریافت. او هنوز در آن سوی مرزها دلش برای ایران می تپد و می داند و می داند او دست یاری شما متولیان را به گرمی خواهد فشرد و از ریشه موسیقی ایران را خواهد ساخت هنری که بخشی از آبروی هنر این مرز و بوم هست.



## کیهان کلهر برنده جایزه Human Spirit شد



بر اساس آنچه در نشست خبری ۸۲ اوت ۲۰۱۲ در سمفونی هال شانگهای به اطلاع خبرنگاران رسید، امسال برندگان جایزه معتبر caas drawAtirpSnamuHnretSرهبری کیهان کلهر آهنگساز و نوازنده کمانچه و گروه کر Sremraf است. جایزه Human Spirit نیز در سال ۲۰۱۲ بنیان‌گذاری شده، به منظور احترام به گروه‌ها یا افرادی است که سهم برجسته‌ای در کمک به بشریت و مسائل انسانی از طریق موسیقی داشته‌اند. مسابقه بین‌المللی ویولن ایزاک اشترن شانگهای به نام این ویولونیست و کرآینی تبار اهل امریکانام‌گذاری شده است و خانواده اشترن نیز در این مسابقه که در کشور چین بندر شانگهای برگزار می‌شود، حضور خواهند داشت. همچنین در کنار برگزاری مسابقه بین‌المللی ویولن، از سال ۲۰۱۲ هر دو سال یکبار جایزه‌ای برای دستاورد هنری موزیسین‌هایی که آثار و فعالیت آنها به‌منظور نزدیک کردن انسان‌ها در جهان از طریق موسیقی صورت گرفته و سهم برجسته‌ای در درک ما از انسانیت از طریق مادیوم موسیقی داشته‌اند تعلق می‌گیرد و امسال دومین جایزه دستاورد هنری انسان دوستانه به کیهان کلهر موزیسین برجسته ایرانی تعلق گرفت که آثار و اهداف موسیقایی او اغلب رویکرد بشر دوستانه، فراتر از زادگاه و ملیت او را مدنظر داشته و به این منظور ساخته شده‌اند. آزمون (مسابقه) بین‌المللی ایزاک اشترن در کنار آزمون‌های بین‌المللی چایکوفسکی و کوئین الیزابت از معتبرترین آزمون‌های موسیقی جهان هستند.



## از اوج تا سقوط کمپانی عظیم تاور ریکوردز

چهار فیلم تاریخ ۱۱ تا ۱۲ شهریور در دومین دوره فستیوال Sdnah fo wohS هر روز رأس ساعت ۳:۴۱ در فرهنگسرای نیوارن به نمایش در خواهد آمد. که علاوه بر جذابیت هر کدام از آنها، ورود برای عموم در آنها آزاد است و علاقه‌مندان می‌توانند فیلمی چون «همه چیز گذر است» که به بررسی از اوج تا سقوط کمپانی عظیم تاور ریکوردز می‌پردازد در تاریخ ۴۱ شهریور در بخش جنبی فستیوال شو و هندز تماشا کنند. سه‌شنبه ۲۱ شهریور فیلم «سرمین آزاد» که به ملاقات با ججان آبر کومبی می‌پردازد را شاهد باشند و البته مستندی درباره گیتار با نام «شاید کمی صدا زیاد شود» روز ۲۱ شهریور به نمایش درمی‌آید. روز ۱۱ شهریور مستندی تهیه‌شده از اولین دوره فستیوال به نام «دست‌های بازی گمشو» به نمایش درمی‌آید که علاقه‌مندان می‌توانند از کم و کیف دوره قبیل فستیوال آگاه شوند.

## برای صدسالگی استادی که تجسم موسیقی بود

## بر نستاینی که نمی شناسیم

بر نستاین یا برنشتاین حتی نامش را هم در ست بلد نیستیم. نمی‌دانم که فحامت صدای «ش» در میان است یا کم قدری و کهنتری صدای «س». می‌گویند مگر آلمانی نیست، پس، با «ش» صحیح است. اینکه اهل کجاست و اصلتش چیست را هم نمی‌دانیم. نمی‌دانیم آمریکایی بوده و پدر و مادرش مهاجرانی از روسیه که وارد آمریکا می‌شوند و کار می‌کنند، از دواج می‌کنند و صاحب سه فرزند می‌شوند که یکی از آن‌ها می‌شود لئونارد برنستاین.



بابک بویان، موزیسین و منتقد

چه بودیم؟ جایی شنیدیم یا خواندیم که او رفت؟ جایی عکسش را دیدیم؟ روی جلدی یا خبری یا دیواری؟ کارش را هم نمی‌دانیم. نمی‌دانیم واقعا چه کاره بوده. رهبر ارکستر؟ آهنگساز؟ یا پیانیست؟ معلم و استاد؟ نمی‌دانیم که یکی از برجسته‌ترین موسیقیدان‌های قرن بیستم بوده. بماند که نمی‌دانیم اصلا موسیقیدان به چه کسی می‌گویند. نمی‌دانیم که بدون تردید یکی از پنج رهبر برتر تاریخ موسیقی است. نمی‌دانیم که در سی و پنج سالگی، در تالار اپرای لاس‌آلا میلان، اپرای مده آتتر کروبینی با نقش آفرینی ماریا کالاس را رهبری کرده. نمی‌دانیم که رکورددار بیشترین تعداد اجرا (هزار کنسرت) با ارکستر فیلارمونیک نیویورک است. نمی‌دانیم که رهبری ده

ارکستر صاحب‌نام آمریکا و چندین و چند ارکستر برجسته دنیا را بر عهده داشته است. می‌دانیم که با ارکستر فیلارمونیک نیویورک یک فصل کامل را به مناسبت صدمین سال تولد گوستاو مالر به اجرا آثارش اختصاص داد؛ بعید است. می‌دانیم که برای جشن آزادی، بعد از فروریختن دیوار برلین و اتحاد دو آلمان، در روز کریسمس سال ۱۹۸۹، سمفونی نهم بتهوون را در برلین رهبری کرد؛ و به جای کلمه‌ی «شادی» در بخش آوازی مومنان آخر آن سمفونی، که «قصیده‌ای برای شادی» از شیلر را می‌خواند، واژه‌ی «آزادی» را جایگزین کرد؛ و می‌دانیم که می‌گوید اگر خود بتهوون هم بود، همین کار را می‌کرد؛ نه. نمی‌دانیم. شاید برخی بدانند که موسیقی

## منتقد برجسته درباره‌ی گزیده‌ها و استوار، با حرکاتی دلنشین و باوقار و چهره‌های شاعرانه، که رنج و سرور را می‌نمایاند، تجسم خود موسیقی بود.

فیلم را شامل می‌شود. نمی‌دانیم که به مناسبت‌های مختلف، برای نزدیکان و دوستانش قطعاتی با پیانو می‌ساخته و به آنان هدیه می‌کرده. نمی‌دانیم که پیانیست قهرای بوده و در کنسرت‌های بسیاری، در اجرای کنسرتوها، هم تکنواز بوده و هم رهبر. کنسرتو پیانو مشهور و مشکل‌مورس را اول را نیز به استادی اجرا کرده. نمی‌دانیم. در دانشگاه‌ها وارد موسیقی خوانده؛ با درجه عالی فارغ‌التحصیل شده. در انستیتوی کورتیس با فریتس راینر رهبری خوانده؛ با ایزابل و نگرورا پیانو، با رندال تامپسون ارکستراسیون. در مرکز موسیقی برکشایر نیز تحت نظارت و تعلیم سرژ کوسویتسکی تحصیل رهبری ارکستر کرده که بعد از درگذشت استاد، به عنوان رییس دپارتمان رهبری ارکستر، جانشینش می‌شود.

استاد موسیقی دانشگاه برن دایس می‌شود. اولین برنامه از سری برنامه‌های جنگ فرهنگی هنری آمینیباس را در تلویزیون (در بخش مستقیم) درباره ساخت سمفونی پنجم بتهوون نویسنده‌ی اجرا می‌کند. پیش‌نویس‌ها و چرکنویس‌های بتهوون برای این سمفونی را نشان تماشاگر تلویزیون داده، آن‌ها را اجرا می‌کند و تماشاگر را در سیری هیجان‌انگیز و دیدنی به نسخه‌هایی می‌رساند.

برنامه‌ای فراموش‌نشده‌ی می‌دانیم؟ خیر. کنسرت‌های موسوم به «کنسرت برای کودکان و نوجوانان» را به مدت چهارده سال با فیلارمونیک نیویورک اجرا می‌کند و نسلی را از شنونده تفننی موسیقی به دوستداران و شیفتگان موسیقی بدل می‌کند. هنوز هم بسیاری از خواص و عوام درک خود را نسبت به موسیقی مدیون وی و برنامه‌های آموزشی‌اش می‌دانند و عاشقانه ارادتمندش هستند. و ما نمی‌دانیم. علاوه بر سخنرانی‌ها و مقالات و یادداشت‌های فراوان، پنج کتاب دارد. یکی از آن‌ها مجموعه شش میحث شگفت‌انگیز در رابطه زبان و موسیقی است که در دانشگاه هاروارد به شکل سخنرانی ایراد کرده است.

داستان وست‌ساید اوست؛ اما نمی‌دانیم که موسیقی متن فیلم درباره‌انداز هم ساخته‌اوست. البته نمی‌دانم که آیا می‌دانیم فیلم درباره‌انداز اثر الیا کارزان با بازی مارلون براندو اصلا چگونه فیلمی است. نمی‌دانیم که ساخته‌هایش طیف گسترده‌ای از سمفونی تا اپرا و باله، از موزیکال تا آثار برای پیانو، از قطعات آوازی تا موسیقی

او تنها یک موسیقیدان یا رهبر ارکستر یا آهنگساز یا نوازنده یا معلم یا نویسنده نبود. تسلط و احاطه‌اش به حوزه‌های تاریخ، زیان‌شناسی، ادبیات، ریاضیات، زبان، شعر، سیاست، فلسفه، هنر و بسیاری حوزه‌های دیگر از وی فردی یگانه ساخته بود. و ما نمی‌دانیم. بسیار کم می‌خوانید و مدام مشغول کار بود. نمی‌دانیم که فعالیت‌های بشر دوستانه‌اش همپای فعالان اجتماعی و سیاسی با نفوذی موثر زبانزد بود. می‌دانیم که چندین فستیوال و بنیاد برای آموزش و ترویج موسیقی راه‌اندازی کرد؛ خیر، نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که تأثیرگذارترین موسیقیدان قرن بیستم بود. نمی‌دانیم که از سال ۱۹۱۲، تمام دنیا به استقبال صد سالگی استاد رفته و به مدت دو سال تا سال ۱۹۱۲ این یادبود ادامه خواهد داشت. از زادگاهش، ایالت به ایالت، گرفته تاروپا و چین و مالزی و حتی کویت، بالغ بر ۵۳ کنسرت و نمایش و کارگاه و سخنرانی برای تحلیل از وجود و دستاوردهایش برگزار می‌شود و ما نمی‌دانیم.

نمی‌دانیم که او تنها یک موسیقیدان یا رهبر ارکستر یا آهنگساز یا نوازنده یا معلم یا نویسنده نبود. تسلط و احاطه‌اش به حوزه‌های تاریخ، زیان‌شناسی، ادبیات، ریاضیات، زبان، شعر، سیاست، فلسفه، هنر و بسیاری حوزه‌های دیگر از وی فردی یگانه ساخته بود. و ما نمی‌دانیم. بسیار کم می‌خوانید و مدام مشغول کار بود. نمی‌دانیم که فعالیت‌های بشر دوستانه‌اش همپای فعالان اجتماعی و سیاسی با نفوذی موثر زبانزد بود. می‌دانیم که چندین فستیوال و بنیاد برای آموزش و ترویج موسیقی راه‌اندازی کرد؛ خیر، نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که تأثیرگذارترین موسیقیدان قرن بیستم بود. نمی‌دانیم که از سال ۱۹۱۲، تمام دنیا به استقبال صد سالگی استاد رفته و به مدت دو سال تا سال ۱۹۱۲ این یادبود ادامه خواهد داشت. از زادگاهش، ایالت به ایالت، گرفته تاروپا و چین و مالزی و حتی کویت، بالغ بر ۵۳ کنسرت و نمایش و کارگاه و سخنرانی برای تحلیل از وجود و دستاوردهایش برگزار می‌شود و ما نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که او تنها یک موسیقیدان یا رهبر ارکستر یا آهنگساز یا نوازنده یا معلم یا نویسنده نبود. تسلط و احاطه‌اش به حوزه‌های تاریخ، زیان‌شناسی، ادبیات، ریاضیات، زبان، شعر، سیاست، فلسفه، هنر و بسیاری حوزه‌های دیگر از وی فردی یگانه ساخته بود. و ما نمی‌دانیم. بسیار کم می‌خوانید و مدام مشغول کار بود. نمی‌دانیم که فعالیت‌های بشر دوستانه‌اش همپای فعالان اجتماعی و سیاسی با نفوذی موثر زبانزد بود. می‌دانیم که چندین فستیوال و بنیاد برای آموزش و ترویج موسیقی راه‌اندازی کرد؛ خیر، نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که تأثیرگذارترین موسیقیدان قرن بیستم بود. نمی‌دانیم که از سال ۱۹۱۲، تمام دنیا به استقبال صد سالگی استاد رفته و به مدت دو سال تا سال ۱۹۱۲ این یادبود ادامه خواهد داشت. از زادگاهش، ایالت به ایالت، گرفته تاروپا و چین و مالزی و حتی کویت، بالغ بر ۵۳ کنسرت و نمایش و کارگاه و سخنرانی برای تحلیل از وجود و دستاوردهایش برگزار می‌شود و ما نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که او تنها یک موسیقیدان یا رهبر ارکستر یا آهنگساز یا نوازنده یا معلم یا نویسنده نبود. تسلط و احاطه‌اش به حوزه‌های تاریخ، زیان‌شناسی، ادبیات، ریاضیات، زبان، شعر، سیاست، فلسفه، هنر و بسیاری حوزه‌های دیگر از وی فردی یگانه ساخته بود. و ما نمی‌دانیم. بسیار کم می‌خوانید و مدام مشغول کار بود. نمی‌دانیم که فعالیت‌های بشر دوستانه‌اش همپای فعالان اجتماعی و سیاسی با نفوذی موثر زبانزد بود. می‌دانیم که چندین فستیوال و بنیاد برای آموزش و ترویج موسیقی راه‌اندازی کرد؛ خیر، نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که تأثیرگذارترین موسیقیدان قرن بیستم بود. نمی‌دانیم که از سال ۱۹۱۲، تمام دنیا به استقبال صد سالگی استاد رفته و به مدت دو سال تا سال ۱۹۱۲ این یادبود ادامه خواهد داشت. از زادگاهش، ایالت به ایالت، گرفته تاروپا و چین و مالزی و حتی کویت، بالغ بر ۵۳ کنسرت و نمایش و کارگاه و سخنرانی برای تحلیل از وجود و دستاوردهایش برگزار می‌شود و ما نمی‌دانیم.



چندین فرد فارغ‌التحصیل رهبری ارکستر در بهترین دانشگاه‌های دنیا دارد؟ تلاش برای یافتن دلیل برای این اجرا از ارکستر ملی هر چه می‌تواند باشد الا کارنامه موثر هنری و از این روست که نتوانیم به تبعیض مثبت در رهبری ارکستر بسنده کرد و تنها این عامل را دلیل اصلی آن دانست و حتی خرسند نیز شد که اگر چه تاکنون در تمام سمس‌ها زنان همواره دیده نشده و حتی به بازی گرفته نشده‌اند اما در رهبری ارکستر در ایران این تبعیض به جنبه مثبت آن گرفته شده است. با این تعبیر که حالا که همواره زنان محروم از لیاقت‌های خود در جایگاه‌های بالای مدیریتی بوده‌اند اینبار عرصه‌ای فراهم شود تا زنان ایرانی علی‌رغم آنکه مردان شایسته‌تری در آن جایگاه داریم، به رهبری ارکستر بپردازند و این تبعیض مثبت را برای اولین بار ارکستر ملی ایران رقم بزنند.

مدرسان نبوده است (همانگونه که شهرداد روحانی رهبر ارکستر سمفونیک تهران و فریدون شهبازبان رهبر و مدیر هنری ارکستر ملی ایران تحصیل نکرده‌اند) و هر آنچه آموخته در گوشه و کنار افرادی است که آنها نیز در رشته رهبری ارکستر تحصیل نکرده‌اند. ضمن اینکه سپردن ارکستری که نام ملی را یدک می‌کند به دست رهبران مهمان می‌بایست باتوجه به سابقه درخشان آنها باشد و سوال این است که آیا در سه برنامه‌ای که پیشتر نزهت امیری تاکنون در عمر هنری خویش روی سن رهبری کرده است سابقه درخشانی بدست آمده است؟ و آیا داشتن تعداد سه اجرا در رزومه برای هر رهبر مهمان در ارکستر ملی کفایت می‌کند؟ و آیا این سطح نازل ارکستر موسیقی ملی ایران شایسته کشور ماست که سالانه چند هزار دانشجوی موسیقی و

## در باب اجرای نزهت امیری با ارکستر ملی ایران

## تبعیض مثبت



بنا بازی، روزنامه‌نگار

مدت‌هاست که ارکستر ملی ایران وضعیتی متناسب با نام بزرگش ندارد، نه برنامه‌هایش ملی است که همه‌از وجود آن راضی باشند، نه برنامه‌ها با کیفیت است که در خور نام بزرگ ایران باشد. این مساله تنها به حضور دو ساله فریدون شهبازبان در این ارکستر هم محدود نمی‌شود که امروزه آن را شبیه یک ارکستر پاپ کرده است و روز به روز ضعف برنامه‌های عامه‌پسند آن عیان‌تر می‌شود؛ ای بسا در بین سالهای ۳۹ تا ۵۹ هم که استاد فرهاد فخرالدینی رهبری آن را بر عهده داشت این ارکستر با روزهای اوج فاصله داشت و نتوانست انتظاراتی که از آن می‌رفت را برآورده کند. بسیاری در همان روزها نیز ضرورت وجود چنین ارکستری که هزینه نگهداری آن برای دولت بسیار زیاد بود را بر سوال می‌بردند و دلسوزان پیشنهاد می‌کردند که دو ارکستر ملی و سمفونیک تهران ادغام شود و تنها وزارتخانه مسئولیت‌دار یک ارکستر گردد. پیشنهادی که از نظر حرفه‌ای و عقلانی درست بود اما به مذاق مدیران بنیاد رودکی خوش نیامد.

در این دو سال اخیر انتقادات زیادی به مدیریت ارکسترهای بنیاد رودکی وارد شده که رویه ارکستر‌ها را به سمت درآمزی و جذب مخاطب بیشتر سوق داده است و